



در دوران پیش از دوره دبستان می‌توان نقاط ضعف و قوت را شناسایی کرد و در جهت رفع ضعف‌ها و تقویت قوت‌ها با روش‌های جذاب و متنوع عمل نمود.

نمونه فعالیت‌های پیشنهادی برای پرورش هوش‌های چندگانه در دوران پیش از دبستان

• **هوش کلامی:** توانایی کاربرد درست واژه‌ها و عبارات به صورت گفتاری و نوشتاری است. توانایی اصلی در هوش زبانی، درک و دریافت زبان، برقراری ارتباط و فهم معانی از طریق کلام است.

برای پرورش هوش زبانی کودک، فعالیت‌هایی چون تمرین یا اجرای نمایش (نمایش عروسکی و...)، ایفای نقش‌های گوناگون، گوش دادن به داستان و قصه (از ۵ دقیقه تا ۲۰ دقیقه به تناسب سن)، بیان کردن وقایعی از داستان یا تعریف یک قسمت یا خلاصه‌ای از داستان متناسب با شرایط سنی کودک، شنیدن دکلمه و شعر، شعرخوانی، تعریف طنز یا معما و توصیف طبیعت یا اشیا با همان زبان ساده، گفت‌وگو یا صحبت کردن درباره مفاهیمی چون مشاغل، رنگ‌ها، زمان (روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و فصل‌ها و...)، مفاهیم ریاضی (پیش‌نیاز)، دما (گرم و سرد و...)، مفاهیم محیطی (محیط فیزیکی، محیط طبیعی و محیط اجتماعی) لازم و ضروری است.



## پرورش هوش در دوران پیش از دبستان

هوش تعریف واحدی ندارد اما عناصری از هوش مورد توافق غالب پژوهشگران‌اند. اسپیرمن در نظریه دو عاملی (۱۹۲۷) خود هوش را دارای دو بخش می‌داند:

۱. یک عامل کلی (g) که معرف یک توانایی کلی است و زیربنای همه رفتارهای هوشمندانه به حساب می‌آید.  
۲. یک یا چند عامل اختصاصی (s) که نشان‌دهنده توانایی‌های اختصاصی است.

گیج و برلایتر (۱۹۹۲) نیز عناصر هوش را به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

۱. توانایی پرداختن به امور انتزاعی؛ منظور این است که افراد باهوش بیشتر با امور انتزاعی سروکار دارند تا امور عینی؛  
۲. توانایی حل مسئله؛ یعنی توانایی پرداختن به موقعیت‌های جدید، نه فقط دادن پاسخ مشخص به موقعیت‌های آشنا؛  
۳. توانایی یادگیری، از جمله انتزاعیات موجود در کلمات یا سایر نمادها و نیز توانایی استفاده از آنها.

و اما هاوارد گاردنر (۱۹۸۳) به گونه‌ای نسبتاً ظریف‌تر به مقوله هوش نگریسته است! گاردنر در زمینه هوش نظریه‌ای با عنوان کثرت هوش (هوش‌های چندگانه) را مطرح نموده که منشأ بازنگری در رویکرد آموزش و تربیت گردیده است. او در این نظریه هفت و سپس در تجدید نظرهای بعدی هشت و نه نوع استعداد را در افراد شناسایی کرده است که عبارت‌اند از: هوش زبانی، ریاضی - منطقی، موسیقایی، درون‌فردی، میان‌فردی، فضایی، جسمی، طبیعت‌گرایی، و وجودگرایی.

گاردنر معتقد است که در میان افراد از نظر هوش‌های مختلف، تفاوت وجود دارد؛ مثلاً فردی ممکن است در یک زمینه هوشی بسیار توانا باشد ولی در زمینه‌هایی از هوش چندان توانمند نباشد. بنابراین، استعدادها و توانایی را می‌توان در قالب فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده از همان دوران کودکی به نحوی مطلوب شناسایی کرد و سپس پرورش داد. در خلال فعالیت‌ها یا بازی‌های کودکان

• **هوش ریاضی - منطقی:** توانایی استفاده درست از اعداد یا ارقام و بیان استدلال منطقی و درست در طبقه‌بندی، استنباط، تعمیم، محاسبه.

در دوره پیش از دبستان، کودک از طرق گوناگون باید مفاهیمی همچون بالا - پایین، چپ - راست، زیر - رو، جلو - عقب، بزرگ - کوچک - هم اندازه، بیشتر - کمتر، سبک - سنگین و تعداد اعضای بدن را درک کند. فعالیت‌هایی از جمله تکمیل پازل، تصاویر و عکس‌های جالب، بازی با مکعب‌ها، مهره‌ها، لگو، استفاده از اعداد در تصاویر و نقاشی‌های بامزه، ردیف کردن یا طبقه‌بندی اشیاء پیرامون، راه رفتن روی خطوط مختلف، استفاده از خط، نقطه و اشکال ساده هندسی و غیرهندسی جهت ترسیم تصاویر بسیار ثمربخش هستند.

• **هوش موسیقایی:** حساسیت نسبت به صداها و ضرابانگ‌های محیط زندگی، درک الگوهای موسیقایی، تشخیص اصوات و در سطوح بالاتر تولید موسیقی یا آهنگ‌سازی یا نت‌گذاری (درک و دریافت الگوهای صدا، خلق و تبادل معانی از طریق صدا).

انجام دادن فعالیت‌هایی در جهت پرورش هوش موسیقایی مانند: گوش کردن به صداها، اطراف و تشخیص آن‌ها (سی‌دی یا فیلم)، آشنایی با سازها، تئاتر موزیکال، توجه کردن به صداها، طبیعی (حیوانات و...) یا غیرطبیعی (بوق ماشین و...)، تمرین سرود یا شعر خواندن همراه با آهنگ، انواع بازی‌ها از جمله بازی یک کلاغ و چهل کلاغ.

• **هوش درون‌فردی:** شناخت دقیق فرد از خویش، علایق و تمایلات، کشف توانمندی‌ها و نقاط ضعف خود در زمینه‌های مختلف که در قالب فعالیت‌ها و بازی‌ها سریع‌تر نمایان می‌گردد. درک از خود و اینکه بدانیم چه کسی هستیم، چه کاری می‌توانیم انجام دهیم و چه کارهایی را نمی‌توانیم انجام دهیم. گاردنر و چاکلی معتقدند که انسان‌ها معمولاً خیلی زود جذب افرادی باهوش درون‌فردی می‌شوند؛ چون تکلیفشان با خود معلوم است، می‌دانند از عهده چه کارهایی برمی‌آیند و چه کارهایی را نمی‌توانند انجام دهند و هنگامی که به کمک نیاز دارند باید به چه کسی مراجعه کنند.

هوش درون‌فردی به افراد این توانایی را می‌دهد که یک الگوی ذهنی بسازند؛ با استفاده از این الگو راه خود را پیدا کنند. نیز توانایی تشخیص احساسات، روحیات و اهداف خود و نیز پیش‌بینی واکنش خود نسبت به کارهای آینده را شامل می‌شود. کودکان معمولاً از میان ابزارهای متنوع پیرامون، بیشتر به سوی وسایل مورد علاقه خود سوق می‌یابند و بد نیست بزرگ‌ترها به این نکته عنایت داشته باشند.

• **هوش میان‌فردی یا اجتماعی:** توانایی درک احساسات و حالات روحی دیگران که مستلزم شناخت و درک حالات چهره و صداها، ایماها و اشارات است. تماشای حرکات پانتومیم و تماشای فیلم و تئاتر، ارتباطات

در دوره پیش از دبستان فعالیت‌هایی مانند ساختن جورچین‌ها، تشخیص جهت‌ها، دستکاری اسباب بازی‌ها و... از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند

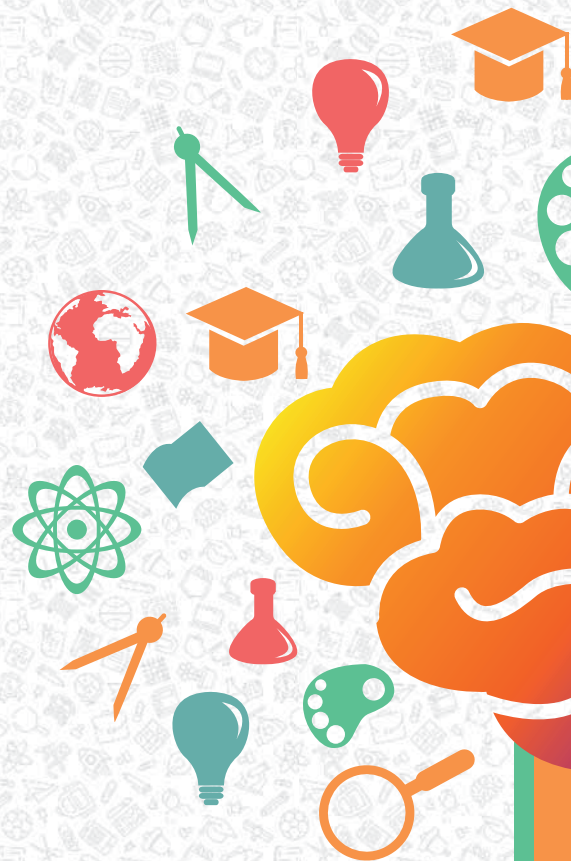
خانوادگی بیشتر، و نیز بازی‌های جمعی و گروهی نقش مؤثری در پرورش هوش بین‌فردی دارند.

• **هوش فضایی:** این نوع هوش، توانایی درک پدیده‌های بصری است. توانایی در زمینه‌های دریافت و تبدیل اطلاعات سه‌بعدی و بصری در ذهن، خلق مجدد تصاویر با استفاده از حافظه، درک و مشاهده حساس و دقیق از دنیای بصری و هنرهای تجسمی، تولید اطلاعات بصری و کارهای هنری.

اگر کسی هوش تجسمی قوی داشته باشد و به هنر هم علاقه‌مند باشد می‌تواند مجسمه‌ساز یا نقاش و یا معمار شود و به همین ترتیب، اگر متمایل به مطالعه علوم باشد، علم تشریح او را جذب می‌کند.

در دوره پیش از دبستان فعالیت‌هایی مانند ساختن جورچین‌ها، تشخیص جهت‌ها، دست‌کاری اسباب بازی‌ها، حجم‌سازی با کاغذ مجال، شکل‌سازی با تا کردن کاغذ یا مقوا یا کاغذهای حلقه شده، خمیربازی یا حجم‌سازی با گل رس از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

• **هوش جسمی - حرکتی:** توانایی بهره‌گیری از کل بدن یا بخش‌هایی از آن



تمرکز در شباهت و تفاوت برگ‌ها، تقلید صداهایی مثل رعد و برق، باران و... درست کردن کاردستی با صدف‌ها، دانۀ میوه‌ها (هسته‌ها)، حبوبات، انواع برگ‌های پاییزی یا سبزه، پوست میوه‌ها (پوسته‌ها) و شکل‌سازی با سنگ‌ها یا تزیین آن‌ها، شکل‌سازی با مواد طبیعی، طبقه‌بندی انواع دانه‌ها، میوه‌ها، برگ‌ها و... درست کردن سبزه عید و کاشتن دانه و گل و مراقبت از گیاهان یا حیوانات (گرچه؛ جوجه و...)، تماشای فیلم‌های مستند حیوانات و گیاهان، تماشای زیبایی‌های طبیعت و لذت بردن از آن و توصیفش.

• **هوش وجودگرا:** توجه انسان به مسائل زندگی غایی/ کیستی انسان، معنای زندگی، مرگ و مفاهیمی مانند آن‌ها و یا به عبارتی توانایی درک مفهوم زندگی، انسانیت و به‌طور کلی فلسفۀ مرگ و زندگی.

معمولاً کودک در سنین قبل از دبستان کنجکاو و پرسشگر می‌شود و بسیار پرسش می‌کند. نحوه پاسخ‌گویی یا هدایت نیز اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند نقطه عطف و زمینه‌ساز نوع نگرش وی باشد.

به‌طور کلی، کودکان باید در طول روز در معرض طرح‌ها یا فعالیت‌هایی قرار گیرند که به ایجاد و توسعه توانایی آن‌ها کمک می‌کند.

گاردنر و استرنبرگ معتقدند که هوش در فرهنگ‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی ظاهر می‌شود؛ برای مثال، در فرهنگ آمریکا هوش فضایی احتمالاً در مجسمه‌سازی، هندسه، نقاشی و از این قبیل نشان داده می‌شود اما در میان مردم کیکویو در کشور کنیا این هوش ممکن است در توانایی اشخاص در تشخیص دادن حیوانات مختلف و شناسایی دام‌های خود از میان دام‌های کسان دیگر انعکاس یابد. به‌طور کلی، هوش دارای ابعاد مختلف است و هر شخص توانایی و استعداد خاص خود را دارد که باید در جهت صحیح هدایت شود.

بنابراین، هر جامعه‌ای با توجه به شرایط (نیازها، امکانات، توانایی‌ها) و نوع فرهنگی که بر آن حکم‌فرماست، همچنین با عنایت به اصل تفاوت‌های فردی (علائق، توانایی و ضعف‌ها، نیازهای کودکان) می‌تواند بستر مناسبی برای شناسایی استعدادها و ضعف‌ها - از همان دوره پیش از دبستان - فراهم آورد و در ارتقاء آگاهی والدین و آموزش کودکان نقش اساسی داشته باشد.

#### منابع

۱. گروه مؤلفان. (۱۳۸۵). راهنمای هنر دوره ابتدایی. انتشارات مدرسه.
۲. آقازاده، محرم. (۱۳۹۳). کاربرد هوش‌های چندگانه در کلاس درس. نشر مرآت.
۳. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۳). روان‌شناسی پرورشی. تهران: نشر آگاه.
4. Gardner\* H. And checkley , k(1997). The first seven and eighth:A conversation with Gardner Educational leader ship, 55(1),8-13
5. gardner.h. 1983 . Frame of mind The theory of multiple in tein telligenes. new york: basic boo
6. Gage ,N.L.&Berliner , D.c. 1984-1992. Educational psychology (3rd and 5th ed.).Hopewell,N.J:Houghton Milflin.

معمولاً  
کودک در  
سنین قبل  
از دبستان  
کنجکاو و  
پرسشگر  
می‌شود  
و بسیار  
پرسش  
می‌کند

برای بیان افکار و احساسات است و مهارت‌های فیزیکی خاص از جمله تعادل، هماهنگی، قدرت و سرعت و انعطاف‌پذیری را شامل می‌شود.

حرکات ورزشی، کنترل بدنی، حرکات خلاق (مثل واکنش به موسیقی) باید مورد توجه قرار گیرند. بازی با توپ، طناب‌بازی، لی‌لی و درست کردن توپ با مچاله کردن کاغذ یا روزنامه و بازی با آن و نیز اجرای حرکات موزون از مواردی هستند که می‌توان نام برد.

• **هوش طبیعت‌گرایانه:** مهارت در شناخت و طبقه‌بندی گونه‌های مختلف گیاهان، جانوران و محیط فردی یا سایر پدیده‌ها مثل تشکیل ابرها و توانایی تشخیص موجودات زنده از غیرزنده، توانایی درک دنیای طبیعی و کار کردن در آن به شکل مؤثر، به افراد فرصت می‌دهد که به تفاوت‌های اجزاء مختلف پی ببرند و از آن‌ها استفاده کنند. این هوش برای الگوسازی از طبیعت هم به کار می‌آید.

وقتی فضای پیرامون، خوب مشاهده شود و یا به‌طور دقیق مورد بررسی و تفحص قرار گیرد، طبقه‌بندی‌های موجود در طبیعت نیز نمایان می‌گردد و علم به دنیای طبیعی افزون می‌شود.